

## پیام نهم

## افزایش چشمگیر حضور مردم در اجتماعات سه‌شنبه‌شب نشان می‌دهد اراده عمومی مردم در پیام فرمانده هوافضا منعکس شده‌است.



افزایش چشمگیر حضور مردم در اجتماعات سه‌شنبه‌شب را می‌توان در امتداد روندی دانست که طی هفته‌های اخیر، به‌تدریج در فضای عمومی شکل گرفته است؛ روندی که نشان می‌دهد مشارکت جمعی تنها یک واکنش لحظه‌ای نیست، بلکه به‌صورت نوعی بیان اراده عمومی در حال تثبیت است. این سطح از مشارکت، حامل دلالت‌هایی چندلایه درباره نسبت جامعه با پیام‌ها، نمادهای کنش‌های رسمی در حاکمیت است.

در روزهای اخیر، یکی از محورها در گفت‌وگوهای عمومی، سخنانی بود که در بیانات فرمانده هوا و فضا مطرح شد و بر نقش مردم در تعیین جهت‌گیری‌ها یا اولویت‌ها اشاره داشت. فارغ از محتوای دقیق این پیام‌ها، آنچه در سطح اجتماعی دیده شد، این بود که جامعه احساس کرد صدای آن‌ه‌تنها شنیده می‌شود، بلکه به‌گونه‌ای در فرایندهای تصمیم‌گیری نیز دخالت داده می‌شود. حضور پرشمار مردم در سه‌شنبه‌شب را می‌توان پاسخی به همین تحلیل و تفسیر جامعه دانست؛ نوعی رابطه متقابل میان جامعه و ساختار تصمیم‌گیری در میدان در جنگ تحمیلی سوم را تثبیت کرد. در واقع، مردم از طریق حضور، با زبان بدن جمعی خود می‌گویند که حاملان یک اراده منمخص هستند و اینکه بازتاب این اراده در پیام‌های نمادین میدانی و آوردن لانچرها به میان مردم در خیابان محقق شده، آن را تأیید کرده‌اند. این اجتماع پرشور علاوه بر حمایت، به دنبال تثبیت جایگاه خود به‌عنوان کنشگر معنادار در ساخت عمومی است.

از زاویه دیگر، وقتی پیام‌های رسمی به نوعی بر مشارکت یا نقش مردم تأکید می‌کنند، این پیام‌ها در جامعه نوعی امکان کنش‌پذیری ایجاد می‌کند و مردم احساس می‌کنند حضورشان معنای افزوده پیدا کرده است؛ معنایی که فراتر از حمایت، به مشارکت در تعیین جهت‌گیری‌های اصلی تعبیر می‌شود. افزایش جمعیت در اجتماعات سه‌شنبه‌شب را می‌توان به‌مثابه تقویت یک چرخه تعاملی میان جامعه و ساختار نظامی کشور در جنگ دانست؛ چرخه‌ای که در آن هر پیام، هر حضور و هر کنش عمومی، دیگری را بازتعریف و تقویت می‌کند.

## پیام دهم

## ادبیات مشترک بین ترامپ و برخی جریانات سیاسی

## داخلی نشانگر پروژه مشترک در پشت‌صحنه است.

پیش از تمدید یک‌طرفه آتش‌بس توسط رئیس‌جمهور آمریکا و هم‌زمان با تهدیدهایی که در توییت‌های رئیس‌جمهور آمریکا منعکس بود و همچنین هم‌زمان با گروگان‌گیری دریایی که از سوی آمریکایی‌ها در یک کشتی ایران صورت گرفته بود، مواضع و بیانیه‌هایی از سوی برخی جریان‌های سیاسی کشور مبنی بر حضور هیئت مذاکره‌کننده در اسلام‌آباد منتشر شد. به‌عنوان مثال، در بیانیه‌ای منسوب به یکی از جریان‌های سیاسی، اراده ملی ایرانیان که در اجتماعات شبانه منعکس شده و برآیند آن تسلیم‌نشدن در برابر تهدیدهای آمریکا است، با عباراتی از قبیل «رویکردهای هیجانی، افراط و انزواطلبی» خطاب شده است و از هیئت مذاکره‌کننده ایرانی خواسته شده است که با «عبور قاطع» از این اراده جمعی به اسلام‌آباد بروند.

مجموعه تصمیم‌گیری سیاسی در جمهوری اسلامی و هیئت مذاکره‌کننده با نظر به واقعیت میدانی و سیاسی که در جریان است، به این جمع‌بندی رسید که در دور دوم مذاکرات اسلام‌آباد شرکت نکند و تلاش جریان‌های غرب‌گرا به نتیجه نرسید؛ افا اکنون که رئیس‌جمهور آمریکا وادار به عقب‌نشینی شد و نتوانست تهدیدهایش را عملی کند، خوب است این جریان‌ها به پوچی ادعایشان مبنی بر «عقلانیت و واقع‌گرایی سیاسی» که مدام آن را بر زبان می‌آورند، بیندیشند. مردم ایران هم‌زمانی تهدیدها و عملیات دزدی دریایی آمریکایی‌ها را با مواضع این چنینی را در خاطر می‌سپارند و هوشمندانه رصد می‌کنند که کدام جریان‌ها و با چه اغراض سیاسی، خطّ تسلیم شدن در برابر آمریکا را بزگ می‌کنند. توجیه و ترویج تسلیم‌شدن در برابر دشمن غدارِی که آنچه در میدان به دست نیاورده را در میز مذاکره می‌خواهد به دست بیاورد، این احتمال را تقویت می‌کند که شاید در پشت پرده پروژه مشترکی بین دولتمردان آمریکا با این جریان‌های سیاسی تعریف شده باشد؛ خصوصاً با توجه به اینکه ترامپ در توییت خود به «وجود اختلاف سیاسی» در ایران تأکید کرده بود.

## پیام یازدهم

## اثرگذاری خیابان در تحولات جنگ در تعیین‌کنندترین وضعیت خود قرار گرفته است.



در بسیاری از بحران‌ها به‌ویژه زمانی که یک کشور تحت حمله یا تهدید خارجی قرار دارد، حضور مردمی در خیابان‌ها به یکی از مهم‌ترین منابع قدرت تبدیل می‌شود. این حضور نه‌تنها نشان‌دهنده پشتیبانی اجتماعی از ساختار دفاعی کشور است، بلکه پیام آشکاری از انسجام و عزم جمعی به طرف آمریکایی منتقل می‌کند. در چنین شرایطی، تجمعات شبانه، اعلام آمادگی عمومی و رزمایش‌های نمادین حمایتی، به‌تدریج به عاملی تأثیرگذار در روند تحولات سیاسی و امنیتی تبدیل می‌شود. وقتی افکار عمومی یکپارچه و فعال ظاهر می‌شود، تیم‌های تصمیم‌گیر در عرصه‌های امنیتی و حتی مذاکراتی، با اتکا به این پشتوانه اجتماعی، با اطمینان و اقتدار بیشتری عمل می‌کنند و احساس می‌کنند که جامعه در کنار آن‌ها ایستاده است. در این وضعیت، گاهی نمایش‌های نمادین دفاعی مانند آوردن تجهیزات نظامی مثل موشک در میان تجمعات می‌تواند نقش مهمی در افزایش روحیه عمومی و پررنگ‌تر شدن انسجام اجتماعی داشته باشد. این پیوند میان «میدان» و «خیابان»، باعث می‌شود حضور مردمی به قله اثرگذاری خود برسد و وزن آن در تحولات راهبردی افزایش یابد. در نتیجه، حضور اجتماعی در خیابان صرفاً یک فعالیت نمایشی نیست؛ بلکه به یکی از مؤثرترین و تعیین‌کننده‌ترین حالت خود تبدیل شده است. این انرژی اجتماعی، هم بر تصمیم‌گیران داخلی اثر می‌گذارد و هم پیام روشنی درباره اراده جمعی مردم به دشمن ارسال می‌کند.

## پیام دوازدهم

## عدم حضور هیئت ایرانی نشان داد بتری میدان با ایران است.



رئیس‌جمهور آمریکا همواره سعی در این امر دارد که نشان دهد ابتکار عمل در دست اوست و او کسی است که تعیین‌کننده همه معادلات صحنه جنگ است. سعی او بر اتخاذ مواضع قبل از دیگران، بیان ضرب الاجل‌ها و تمدید آن‌ها، سعی در دستاوردسازی از کوچک‌ترین اتفاقات، مصادره به مطلوب کردن برخی امور و اقداماتی از این دست نشان دهنده تلاش‌های او در جهت تحقق این انگاره است.

او همواره سعی دارد با روایت سازی‌های کاذب و غیرواقع، این سیطره و تسلط خود را به اثبات برساند. یکی از این روایت سازی‌ها، مساله نیاز شدید ایران به مذاکره و عدم رغبت او به این امر است. او همواره و با بیان‌های متفاوت، مساله مذاکره را نیاز شدید ایران معرفی کرده و اینگونه وانمود میکند که ایران به شدت دنبال مذاکره و رهایی از فشار‌های نظامی آمریکااست است و در مقابل، ترامپ کسی است که به مذاکره هیچ احتیاجی ندارد و در میدان نبرد به همه هدفهای خود رسیده و توانایی نابودی کامل ایران را نیز دارد. در جریان پایان وقفه نظامی دوهفته‌ای بین ایران و آمریکا نیز او سعی داشت با پایان مهلت دوهفته‌ای و کشاندن ایران به میز مذاکره، انگاره سلطه و برتری خود را در میدان نیز تثبیت کرده و دستاوردسازی کند. او با بیان اینکه ایران هیچ برگ برنده‌ای ندارد و همچنین تهدید به شروع بمباران در صورت عدم مذاکره و تأکید بر اینکه آتش بس تمدید نخواهد شد، سعی در نشان دادن تحکم و دست‌بالای خود در مذاکرات را داشت .

اما در عمل، عدم حضور ایران در مذاکرات پس از پایان زمان آتش بس و تهدیدات متقابل نظامی او نسبت به زیاده‌گویی‌های آمریکا و همچنین حضور پرشور مردم در صحنه، باطل السحری بود بر تمامی این اقدامات رسانه‌ای و نمایشی دشمن و نشان داد که ایران اولاً به هیچ وجه در میدان دست‌پایین را ندارد و به پشتوانه نیروی نظامی و حضور مردمی، در مقابل دشمن محکم ایستاده است. اما در مقابل، تمدید یکطرفه آتش بس از طرف آمریکا، نشان داد کسی که بیشتر از همه نیاز به مذاکرات و توقف جنگ دارد، طرف آمریکایی است که طولانی شدن جنگ، او را در باتلاق فرسایش نظامی و فشار اقتصادی گرفتار کرده است.

## پیام سیزدهم

## اتفاق بامداد ۲ اردیبهشت، آشکارشدن واقعیت‌هایی از آمریکای جدید بود.



با‌بی‌اعتنایی ایران و عدم حضور در پاکستان، و درنتیجه نامعتبر شدن تهدیدات ترامپ و لغو ضرب‌الاجلش که با تهدید بمباران دوباره ایران و حتی لاف تخریب گسترده زیرساخت‌های ایران همراه کرده بود، او ناخواسته در حوالی بامداد ۲ اردیبهشت به‌وقت تهران مجبور به تمدید آتش‌بس بدون هرگونه افق جدید پایان برای آن شد. این حادثه نه یک حادثه کوچک سیاسی بلکه نشانه‌ای دیگر و بسیار جدی از تحولی عمیق در نظام قدرت جهانی است؛ نظامی که دیگر آمریکا قدرت رئیسی‌ تزلزل‌ناپذیر آن نیست.

بحران‌های آمریکا ازجمله تشتت‌های مکرر در حوزه سیاست خارجی، بحران در روابط با هم‌پیمانان، اعمال تعرفه‌ها و عقب‌نشینی و پیش‌روی مکرر در آن، افزایش هزینه‌های عمومی زندگی شهروندان و بحران گسترش بی‌خانمان‌ها، آسیب‌های اجتماعی رو به تزاید، بحران‌های اخلاقی سرمداران از پرونده‌های اسپتسن تا شکایات ناشی از سوءاستفاده‌های جنسی در کنگره، مشکلات بهداشت و آموزش عمومی و فرسودگی زیرساخت‌ها و... برخی از این بحران‌هاست. اما این ناپسمامی‌ها خود را در حوادث خاص و صحنه‌های ویژه‌ای بازنمایی می‌کنند. یکی از این لحظه‌ها قطعاً بامداد ۲ اردیبهشت‌ماه و در روند جنگ با ایران است. لحظه‌ای که در آن ابرقدرت هسته‌ای که زمانی با یک سندغیررسمی(Non-Paper) و کاغذی ساده، یک تماس تلفنی سفیرش در کشور هدف، حرکت یک کشتی و عندالزوم ناو هواپیمابر یا حتی ساده‌تر با یک تهدید لفظی رئیس‌جمهورش یا حتی مقامی دون‌تر، باعث ساقط شدن یک دولت، لغو تصمیمات یا اتخاذ تصمیمات به نفع خویش در کشورها و ملت‌های هدف می‌شد به سرآمده است.

در جنگ حاضر نه حرکت ناو هواپیمابر کاری از پیش برد نه بمباران‌های نیروی هوایی‌اش و نه حتی تهدید تخریب زیرساخت‌ها. اگر مقاومت مردمی با حضور خانواده ایرانی روی پل‌ها اثری و پوکی تهدیداتش را نشان داد، تمدید آتش‌بس توسط خود رئیس‌جمهور مدعی و یاوه‌گو، عمق پوک‌شدگی این مترسک قدرت جهانی را در عرصه بین‌الملل آفتابی کرد؛

## پیام چهاردهم

## دولت و عملکرد آن در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی

## تعیین‌کننده‌است.



در شرایطی که رویکرد رسمی کشور بر رد مذاکره در فضای فشار و محدودیت استوار شده و این‌موضع نیز با نشانه‌های روشن از سوی افکار عمومی موردتأیید قرار گرفته، اکنون کانون توجه به نحوه عملکرد دولت در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی معطوف شده است. جامعه، پس از اعلام این موضع، در انتظار آن است که این انتخاب صرفاً

در سطح گفتار باقی نماند، بلکه در سطح تدبیر داخلی و تنظیم روابط خارجی نیز به‌صورت منسجم و کارآمد بازتاب یابد.

ردّ مذاکره در شرایط تحریم، اگرچه حامل پیام استقلال‌طلبانه کشور است، اما پایداری آن وابسته به نحوه حکمرانی داخلی در ادامه این مسیر است. تجربه‌های تاریخی نشان داده که استقامت در سیاست خارجی زمانی معنا و دوام پیدا می‌کند که پشتوانه اقتصادی، انسجام نهادی و اعتماد اجتماعی تقویت شده باشد. در غیر این صورت، فشارهای بیرونی می‌توانند از مسیر گره‌های داخلی اثرگذاری بیشتری پیدا کنند.

عملکرد دولت در حوزه اقتصاد نقشی تعیین‌کننده در این مسیر دارد. ثبات بازارها، پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها، کنترل نوسانات و حمایت از معیشت عمومی، علاوه‌برآن که از مطالبات روزمره جامعه‌اند، بخشی از سازوکار تقویت تاب‌آوری ملی نیز محسوب می‌شوند. جامعه انتظار دارد تصمیم‌های اقتصادی با دقت کارشناسی، هماهنگی نهادی و شفافیت اجرایی همراه باشد تا از شکل‌گیری نااطمینانی و فرسایش اعتماد جلوگیری شود.

در حوزه سیاسی نیز انسجام پیام، هماهنگی میان نهادهای و پرهیز از سیگنال‌های متناقض اهمیت مضاعف دارد. هرگونه دوگانگی در مواضع یا بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری می‌تواند این تصور را ایجاد کند که راهبرد اعلام‌شده از پشتوانه عملی کافی برخوردار نیست. در چنین وضعی، هزینه‌های داخلی افزایش یافته و ظرفیت بهره‌برداری از این شکاف‌ها در عرصه خارجی بیشتر می‌شود. پس از اعلام یک موضع مستقل در قبال فشار بیرونی، اکنون میدان اصلی، میدان کارآمدی در اداره امور است.



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

## فهرست

|    |              |  |
|----|--------------|--|
| ۴  | پیام اول     | مقاومت سیاسی هیئت مذاکره‌کننده موجب عقب‌نشینی آمریکا شد.   |
| ۵  | پیام دوم     | مطالبات صریح مردم در روزهای گذشته پشتیبان اقدام هوشمندانه هیئت مذاکره‌کننده بود.                   |
| ۶  | پیام سوم     | واکنش آمریکا نشان داد به خلاف تهدیدات رسانه‌ای، تمایلی برای درگیری مجدد نظامی ندارد.               |
| ۷  | پیام چهارم   | طمع جدی آمریکا بر روی اختلافات سیاسی داخلی در ایران است.   |
| ۸  | پیام پنجم    | عدم حضور تیم ایرانی در مذاکرات، باری ترامپ برای معامله با برگ محاصره دریایی را از بین برد.         |
| ۹  | پیام ششم     | عدم تمدید زمان‌دار آتش‌بس توسط ترامپ نشان می‌دهد گذشت زمان شدیداً علیه آمریکااست.                  |
| ۱۰ | پیام هفتم    | محقق نشدن تهدید حمله به زیرساخت‌ها نشان داد که طرف مقابل، خسارات خود را چندین برابر برآورد می‌کند. |
| ۱۱ | پیام هشتم    | رزمایش هوشمندانه هوافضا به آمریکا ثابت کرد که حملات ایران زمین‌پس غیرقابل‌کنترل است.               |
| ۱۲ | پیام نهم     | افزایش حضور مردم در اجتماعات سه‌شنبه‌شب یعنی اراده مردم در پیام فرمانده هوافضا منعکس شده است.      |
| ۱۳ | پیام دهم     | ادبیات مشترک بین ترامپ و برخی جریانات سیاسی داخلی نشانگر پروژه مشترک در پشت‌صحنه است.              |
| ۱۴ | پیام یازدهم  | اثرگذاری خیابان در تحولات جنگ در تعیین‌کننده‌ترین وضعیت خود قرار گرفته است.                        |
| ۱۵ | پیام دوازدهم | عدم حضور هیئت ایرانی نشان داد برتری میدان با ایران است.  |
| ۱۶ | پیام سیزدهم  | اتفاق بامداد ۲ اردیبهشت، آشکارشدن واقعیت‌هایی از آمریکای جدید بود.                                 |
| ۱۷ | پیام چهاردهم | دولت و عملکرد آن در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی تعیین‌کننده است.                                      |

# ۱۴۳

# نبرد سرنوشت؛

# بازی در تیم مردم

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون

جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران



۱

نبرد سرنوشت  
مجموعه پیام های بیسی پرامون  
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

### مقاومت سیاسی هیئت مذاکره‌کننده موجب عقب‌نشینی آمریکا شد.



بامداد دوم اردیبهشت ۱۴۰۵ رخداد مهمی در تاریخ سیاسی کشور بود و حادثه‌ای چشم‌گیر برای هر ناظر بین‌المللی که با رفتار آمریکا آشناست، محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی علیرغم تهدید مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا و زمان دقیقی که او برای اعمال تهدید تعیین کرده بود، کوتاه نیامد و خم به آبرو نیاورد و این مقاومت سیاسی موجب شد رئیس‌جمهور آمریکا بازه تعیین‌شده را به صورت یک‌طرفه تمدید کند. در جهان امروز که با کوچک‌ترین تهدید رئیس‌جمهور آمریکا تصمیم‌گیری‌های سیاسی دولت‌ها تغییر می‌کند، این مقاومت سیاسی، حادثه‌ای بزرگ و تحسین‌برانگیز است. شرکت‌نکردن هیئت مذاکره‌کننده در دور دوم مذاکرات اسلام‌آباد علیرغم تهدید چند ساعت قبل رئیس‌جمهور آمریکا. تهدیدی که در صورت اعمال، متوجه مهم‌ترین زیرساخت‌های کشور بود . عزّت ملی ایرانیان را بازنمایی کرد. راه درست همین است و انتظار می‌رود شورای عالی امنیت ملی و هیئت مذاکره‌کننده همین خط‌مشی را در ادامه مسیر نیز در دستور کار قرار بدهند. عقب‌نشینی رئیس‌جمهور آمریکا در برابر مقاومت سیاسی جمهوری اسلامی در این صحنه، دلالت‌های فراوانی دارد که یکی از آن‌ها اثبات کارآمدی عملی ایده مقاومت در عرصه سیاسی و دیپلماسی است.

#### پیام دوم

### فریادها و مطالبات صریح مردم در روزهای گذشته پشتیبان اقدام هوشمندانه هیئت مذاکره‌کننده بود.



در وضعیتی که جامعه ایرانی به تجربه دریافت‌ه است هر بار ورود شتاب‌زده به روندهای مذاکره‌ای می‌تواند به تحمیل هزینه‌های سنگین بر منافع ملی بینجامد، اکنون نوعی حساسیت تاریخی در حافظه جمعی شکل گرفته است؛ تجربه دوره‌های پیشین مذاکره، با همه امیدها و بیم‌ها، در ضمیر عمومی جامعه رسوب کرده و امروز شهروندان، با آگاهی و احتیاط بیشتری، نسبت به هرگونه گفت‌وگو زیر سایه فشار و تهدید واکنش نشان می‌دهند.

این حافظه جمعی به صورت معیار قضاوت در ارزیابی رفتار نتخبگان سیاسی و تیم‌های مذاکره‌کننده عمل می‌کند. در روزهای اخیر، حضور گسترده مردم در خیابان‌ها و طرح صریح مطالبات، نوعی اعلام موضع روشن نسبت به چارچوب مطلوب هرگونه مذاکره است. مذاکره، اگر هم قرار است صورت گیرد، باید بر پایه احترام متقابل، توازن نسبی قدرت و دور از هرگونه اجبار و ارعاب و تأمین‌کننده منافع ملی به شکل عینی و عملی باشد.

فریادها، پلاکاردها، شعارها و حتی سکوت‌های معنادار مردم در این تجمع‌ها، نوعی بیانهی میدانی جامعه بود که خطوط قرمز خود را به رخ می‌کشید. جامعه می‌خواهد نشان دهد دیگر حاضر نیست هزینه‌های سنگین ناشی از توافق‌های عجولانه، مبهم یا یک‌جانبه را بپردازد؛ هزینه‌هایی که آثار آن در اقتصاد روزمره، در امنیت روانی و در احساس کرامت ملی قابل مشاهده است. برای مردم، اقدام هیئت مذاکره‌کننده در رد مذاکره تحت فشار و تهدید، نوعی ترجمان نهادی خواست عمومی تلقی می‌شود و این ردّ مذاکره، در واقع پاسخی است به مطالبه صریح خیابان و اینکه شان و منزلت ملی نباید در میز مذاکره، گروگان ضرب‌الاجل‌ها، تهدیدها و سازوکارهای تحمیلی شود. این همسویی میان مطالبات اجتماعی و رفتار رسمی، به بازتولید نوعی سرمایه نمادین برای حاکمیت و تیم مذاکره‌کننده نیز انجامیده است. هنگامی که مردم احساس می‌کنند صدا و حافظه تاریخی‌شان در تصمیم‌گیری‌ها بازنتاب یافته، اعتماد به دیپلماسی تقویت شده و جامعه آماده می‌شود تا هزینه‌های احتمالی ایستادگی در برابر فشار خارجی را با احساس مشارکت و همراهی بیشتری تحمل کند.

#### پیام اول

۳

نبرد سرنوشت  
مجموعه پیام های بیسی پرامون  
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

### واکنش آمریکا نشان داد به خلاف تهدیدات رسانه‌ای، تمایلی برای درگیری مجدد نظامی ندارد.



رئیس‌جمهور آمریکا در رسانه‌ها، برخی ضرب‌الاجل‌ها برای ایران تعیین کرده بود؛ اینکه توافق باید تا چهارشنبه نهایی شود، توافق باید متکی بر پیشنهادات او باشد و از همه مهم‌تر بعد از شکست دور پیشین مذاکرات به جد خواهان حضور دوباره مذاکره‌کنندگان ایرانی در پاکستان است و همه این‌ها، به‌ویژه مورد آخر را سعی کرد با تهدید مکرر به بمباران و زدن زیرساخت‌های ایران واقعی نشان دهد. درحالی‌که ثانیه‌ها به‌سرعت تا پایان مهلت آتش‌بس طی می‌شد ناگهان همان که ضرب‌الاجل گذاشته بود، در پی ناامیدی از حضور هیئت ایرانی، آتش‌بس را یک‌طرفه تمدید کرد. این تمدید، یک شکست فاحش بود و باعث نامعتبر شدن مجدد تهدیدهای آمریکا شد؛ درعین‌حال با اینکه این اقدام از سوی راهبردی‌پژوهان، به‌عنوان یک فریب محتمل برای شروع حمله مجدد نظامی در همان شب در نظر گرفته شد اما هیچ تحرک نظامی قابل اعتنایی نیز در این خصوص رخ نداد. با اینکه به لحاظ قوانین نظامی-سیاسی هم محاصره دریایی یک اقدام نظامی و ناقض آتش‌بس است و هم توقیف و اصابت به کشتی‌های ما نقضی دیگر است اما تمام این اقدامات و حتی خود ضبط، به‌شدت با احتیاط توسط نیروهای آمریکایی انجام شد تا مبدا این اقدامات به زعم خودشان موجب تحریک ایران را فراهم کند؛ نکته اینکه، عمده این اقدامات برای ایجاد فشار راهبردی-سیاسی بود نه بازگرداندن ایران به صحنه درگیری نظامی! جمع دو مطلب فوق یعنی مجموعه کیفیت و ماهیت اقدامات ناقض آتش‌بس آمریکا و نیز عقب‌نشینی‌های اخیر ترامپ و تمدید آتش‌بس بدون ورود به درگیری نظامی نشان می‌دهد، آمریکایی‌ها دست‌کم در شرایط کنونی تمایلی برای درگیری نظامی ندارند. دلایل آن می‌تواند ناشی از نگرانی از قدرت نظامی و پاسخ جدی و گسترده ایران، بازی‌کردن با گزینه‌های نظامی مانند هلی‌برن ناموفق یا بمباران‌های بی‌اثر و حتی تروهای غیرمؤثر بر کارایی نظام سیاسی باشد. ازاین‌رو می‌توان نوعی تردید در ورود مجدد آمریکا برای درگیری نظامی را دریافت نمود و چنین رخدادی به معنای قوت بالای ایران به لحاظ ساختاری، نظامی و حمایت مردمی است؛ امری که یک ابرقدرت هسته‌ای را فشل کرده است.

#### پیام چهارم

### طمع جدی آمریکا بر روی اختلافات سیاسی داخلی در ایران است.



اشتباه واضح چگونگی اعلام بازگشایی تنگه(مطابق توافق آتش‌بس) در پی گردن‌نهادن رژیم به آتش‌بس و اجمال و ابهام آن برای فضای عمومی داخلی کشور، حجمی از واکنش‌ها را طی ساعاتی برانگیخت. دشمن با دیدن این صحنه با کمک خودفروختگانش اعم از منافقان حاضر در شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های در اختیارش و حتی برخی مزدوران میدانی محدود بهایی (که شروع به شعارهای رادیکال علیه مسئولان کردند و البته دستگیر شدند) سعی کرد از این فضا سوءاستفاده کرده و نوعی شکاف را ایجاد و تعمیق کند.

طراحی اصلی دشمن در ورود به این جنگ یک ستون مهم مبتنی بر وجود شکاف داخلی و مردمی و به میان آوردن هسته‌های ترور داشت که از همان روز اول با حضور هوشیارانه مردم شکست خورد و اینک این اقدامات جدید بعد از حدود چهل روز ناامیدی درواقع تلاشی مجدد برای خرق وحدت ملی حول وطن و نظام مقدس جمهوری اسلامی بود. فهرست این اقدامات جدید نشان می‌دهد که دشمن، واقعاً طمع‌ی جدی برای بهره‌برداری از هرگونه اختلاف سیاسی و لفظی به‌منظور پس‌زدن وحدت مردم و در اختیار گرفتن خیابان دارد؛ اینکه خود ترامپ با حماقتش صوت گفتگوی افسر نیروی دریایی سپاه با شناورهای متخلف را پخش می‌کند و مدعی می‌شود که این سخنان، توهین به وزیر امور خارجه کشور بوده است(گرچه با عکس‌العمل مخاطبانش متوجه شد مخاطب واژه احمق خود او بوده است!)، یا اینکه مدعی سرسختی سپاه و یا گسیختگی نظام تصمیم‌گیری و ضرورت بی‌اعتنایی به ضلع سخت‌گیر می‌شود، حتی دروغ‌های خود ترامپ در ادعای تصمیم‌گیری برای خروج و تحویل اورانیوم‌هایش به آمریکا با همین هدف انجام گرفت. درعین‌حال انتساب برخی از این سوءتفاهمات به اختلافات سیاسی داخلی پیشین نشان می‌دهد که تولید چنین محتواها نیز در همین راستا بوده است. بدین‌ترتیب با اینکه وحدت و حضور مردمی، دشمن را تا حد زیادی ناکام گذاشته است اما سابقه طولانی استعمار و غرб در تفرقه‌افکنی باعث می‌شود او به‌زودی از ایجاد تفرقه ولو متکی بر اختلافات سیاسی و ادبیاتی دست نکشد.

۵

نبرد سرنوشت  
مجموعه پیام های بیسی پرامون  
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

### عدم حضور تیم ایرانی در مذاکرات، بازی ترامپ برای معامله با برگ محاصره دریایی را از بین برد.



ترامپ پس از استیصال در برابر اقدام ایران در اعمال محدودیت تردد در تنگه هرمز و ناتوانی خود در باز کردن آن، اقدام به اجرای طرح محاصره دریایی کرد. او با این اقدام، تلاش دارد در وهله اول، بسته بودن تنگه هرمز را برای ایران هزینه دار کند، زیرا اعمال محدودیت در تنگه از طرف ایران، گذر زمان را به ضرر دشمن آمریکایی کرده و هرروز به التهابات بازارهای انرژی و مالی جهان افزوده است. ترامپ با ایجاد محاصره دریایی، سعی دارد هزینه هایی را در کوتاه مدت به ایران تحمیل کند تا تحت فشار این هزینه ها، ایران از محدودسازی تنگه هرمز عقب نشینی کند. همچنین او با انگیزه اهرم سازی از محاصره دریایی در مقابل تنگه هرمز، سعی داشت تا در میز مذاکرات، این اهرم را در قبال محدودیت تنگه هرمز معامله کرده و از دادن امتیاز بیشتر در این مورد، خودداری کند. پس از پایان ضرب الاجل سکوت نظامی بین ایران و آمریکا، عدم حضور تیم ایرانی، بازی ترامپ برای امتیاز گیری او در میز مذاکره را برهم زد. رئیس‌جمهور تروریست آمریکا سعی کرد با جوسازی و بزرگنمایی اقدام خود در این مساله، و در ادامه با حضور تیم مذاکره کننده ایران در مذاکرات، اینگونه القا کند که محاصره دریایی او توانسته ایران را در موضع ضعف و محاصره، به میز مذاکره و تسلیم بکشاند. او در ادعاهای خود مکرراً سعی در القای این امر داشت که تنگه هرمز را من بستم و ایرانیان درخواست دارند که من آنرا باز کنم. ایران با عدم حضور خود در مذاکره تحت فشار و تهدید رئیس‌جمهور آمریکا، نشان داد که محاصره دریایی برخلاف جو سازی های ظاهری و رسانه ای دشمن، اقدامی کم اثر، کوتاه مدت و نمادین است و ایران توانایی مقابله با آن را داراست و به محدودیت های دشمن در ادامه این اقدام نیز به خوبی واقف است. از طرف دیگر ایران قرار نیست محاصره دریایی را در میز مذاکره و با بازگشایی تنگه هرمز معامله کند بلکه گزینه های متعدد و متنوعی در دست دارد که میتواند به خوبی با این اقدام خصمانه دشمن مقابله به مثل انجام دهد. به نظر میرسد محدودیت تردد در تنگه هرمز به معضلی غیر قابل حل برای دشمن تبدیل شده است و اقدامات نمادینی همچون محاصره دریایی و اقداماتی از این قبیل نمیتواند آمریکا را از این مخمصه خودساخته خارج سازد.

#### پیام ششم

### عدم تمدید زمان دار آتش بس توسط ترامپ نشان می‌دهد گذشت زمان شدیداً علیه آمریکاست.



آتش‌بس موقت و شکننده‌ای که میان ایران و ایالات متحده برقرار شده بود، بامداد روز چهارشنبه به صورت رسمی به نقطه پایان خود رسید. این توافق که از ابتدا نیز با بدبینی محافل سیاسی تهران همراه بود و به عنوان تنفسی کوتاه در بحبوحه تنش‌ها تلقی می‌شد، طبق برنامه از پیش تعیین‌شده منقضی گردید. در شرایطی که شمارش معکوس برای از سرگیری احتمالی خصومت‌ها یا ورود به فاز جدید دیپلماتیک آغاز شده بود، ساعاتی مانده به پایان مهلت قانونی، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌ای کوتاه از تمدید این آتش‌بس خبر داد.

نکته کلیدی و بسیار گویا در این تحولات، موضع ایران است. برخلاف رویه‌های معمول در چنین بحران‌هایی که طرف ضعیف‌تر یا طرفی که نیاز مبرم به خریدن زمان دارد، خواستار تمدید مهلت می‌شود، تهران هیچ درخواست رسمی یا غیررسمی برای تمدید این دوره ارائه نکرد. این سکوت معنادار و بی‌اعتنایی محاسبه‌شده نشان داد که دستگاه سیاست خارجی ایران از اتمام ضرب‌الاجل هراسی نداشته و طرح خود را برای هر سناریویی آماده کرده است.

ترامپ که همواره شخصیت سیاسی خود را بر پایه اولتیماتوم‌های زمان‌دار، تعیین ضرب‌الاجل‌های دقیق و فشار حداکثری روانی بنا نهاده است، این بار از تعیین هرگونه مهلت مشخص یا تاریخ انقضای جدید برای آتش‌بس تمدید‌شده خودداری کرد. این رفتار را صرفاً نشانه‌ای از تزلزل یا ضعف تاکتیکی واشنگتن نمی‌توان ارزیابی کرد. در یک تحلیل عمیق‌تر، این تغییر رویه، آشکار می‌سازد که رئیس‌جمهور آمریکا به شدت در انتظار سیگنال طرف ایرانی است. او با حذف قید زمان، عملاً اعلام کرده که حاضر است هر لحظه که تهران اراده کند، پای میز مذاکره بنشیند. این انفعال در تعیین ضرب‌الاجل، فریاد بلند عجله و اضطراب است. ترامپ که نمی‌تواند هزینه‌های سیاسی و اقتصادی تداوم بلاتکلیفی در منطقه را تحمل کند، با برداشتن قید زمان از روی آتش‌بس، عملاً پذیرفته است که ورق برگشته و این ایران است که اکنون زمان بازی را تعیین می‌کند.

#### پیام پنجم

۷

نبرد سرنوشت  
مجموعه پیام های بیسی پرامون  
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

### محقق نشدن تهدید حمله به زیرساخت‌ها نشان داد که طرف مقابل در این سناریو، خسارات خود را چندین برابر برآورد می‌کند.

آتش‌بس موقت میان ایران و ایالات متحده آمریکا بامداد روز چهارشنبه به پایان راه خود رسید. آنچه در ساعات پایانی این مهلت رخ داد، ابعاد تازه‌ای از محاسبات راهبردی حاکم بر این بحران را آشکار ساخت. رئیس‌جمهور آمریکا به صورت یکجانبه اقدام به تمدید آتش‌بس نمود. این تصمیم در شرایطی اتخاذ گردید که جمهوری اسلامی ایران هیچ درخواستی برای تمدید این دوره ارائه نداده بود.

این عقب‌نشینی آشکار از موضع پیشین، در تضاد کامل با ادبیات تهدیدآمیز ترامپ در روزهای پیشین قرار دارد. ترامپ پیش از این به صراحت تهدید کرده بود که زیرساخت‌های حیاتی ایران، از جمله شبکه نیروگاه‌های برق و پل‌های استراتژیک، هدف حملات آمریکا قرار خواهند گرفت. این یک واقعیت مسلم نظامی است که ایالات متحده و رژیم با بهره‌گیری از توان هوایی، از قدرت تخریبی لازم برای وارد آوردن آسیب جدی به این دست از تأسیسات برخوردار است. اما در کنار این واقعیت، حقیقت بزرگتری نیز وجود دارد که ظاهراً در محاسبات نهایی واشنگتن، وزنی سنگین‌تر یافته است. جمهوری اسلامی ایران از توانمندی پاسخگویی گسترده، چنلایه برخوردار است و آمریکا و اسرائیل فاقد هرگونه ابزار بازدارنده برای جلوگیری از وقوع این پاسخ ویرانگر هستند. تهران با صراحت وعده داده است که هرگونه تعرض به زیرساخت‌های ملی خود را با حمله متقابل به زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان منطقه‌ای ایالات متحده پاسخ خواهد داد. دامنه این پاسخ تنها به اهداف متقابل محدود نخواهد ماند و تهران اعلام کرده است که تأسیسات نفت و گاز در سراسر منطقه نیز در تیررس واکنش ایران قرار خواهد گرفت. در چنین سناریویی، امنیت انرژی جهان با شوکی بی‌سابقه مواجه می‌شود و اقتصاد شکننده جهانی که آمریکا نیز جزئی جدایی‌ناپذیر از آن است، با تبعات فاجعه‌بار روبرو خواهد گردید. عقب‌نشینی ترامپ از تهدید حمله به زیرساخت‌های ایران را باید در همین چارچوب ارزیابی نمود. این تغییر موضع، اعترافی تلوییحی به نتیجه محاسبات هزینه-فایده در پنتاگون است. واشنگتن به این جمع‌بندی رسیده است که در صورت وقوع رویارویی در سطح تخریب زیرساخت‌ها، طرفی که متحمل خسارت چندبرابری خواهد شد، ایالات متحده و متحدانش هستند.

#### پیام هشتم

### رزمایش هوشمندانه هوافضا به آمریکا ثابت کرد که حملات ایران زمین پس غیر قابل کنترل است.



پنجاه روز حضور مستمر مردم در خیابان، به‌تدریج به یک صورت‌بندی اجتماعی از مطالبه تبدیل شد. این حضور ممتد، نوعی بیان جمعی از انتظار نسبت به نحوه پیوند میان میدان عمل و عرصه دیپلماسی را بازنمایی می‌کرد. مردم، در این مدت، علاوه بر این که بر ضرورت حفظ منافع ملی تأکید داشتند، درباره چگونگی مذاکره نیز مطالبه‌ای مشخص را طرح کردند؛ مذاکره‌ای که مبتنی بر اقتدار، عزت و مصون از فشار و تأمین‌کننده منافع بلندمدت ملی،

مورد خواست مردم بود. در پاسخ به مذاکره تحت فشار و تهدید، برگزاری یک رزمایش هوشمندانه در فضای شهری و در معرض دید عمومی توسط هوافضا و حضور مردم، واجد معنای نمادین خاصی بود. انتقال تجهیزات و نمایش توانمندی‌ها در میان مردم، به‌عنوان نوعی پیام عمومی فهم شد؛ پیامی که بر پیوند ارگانیک میان ظرفیت‌های میدانی و پشتوانه اجتماعی تأکید داشت. خیابان در اینجا به صحنه بازنمایی قدرت و همبستگی ملی در برابر فشار و تهدید تبدیل شد.

در روایت‌های شکل‌گرفته پیرامون این رخداد در میان مردم، ایده‌ای برجسته شد؛ اینکه جهت‌گیری‌ها و تعیین خطوط کلان، برآمده از اراده عمومی است. این انگاره که بانک اهداف یا جهت‌گیری‌های راهبردی جنگ با خواست مردم تنظیم می‌شود، واجد دلالتی معنایی عملیاتی بود؛ دلالتی که مشروعیت جنگ را از متن جامعه استخراج می‌کند. در واقع جامعه از میدان و دیپلماسی می‌خواهد هر دو در چارچوب مطالبه اجتماعی باید خود را تعریف کنند. نمایش هماهنگی میان پشتوانه مردمی و ظرفیت‌های نظامی، می‌تواند این پیام را منتقل کند که تصمیم‌سازی‌ها نباید محصول فشارهای بیرونی باشد و اصل بر این باشد که باید تصمیم‌ها ریشه در اراده داخلی داشته باشد.

#### پیام ۸

نبرد سرنوشت  
مجموعه پیام های بیسی پرامون  
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران